**جلسه 85-197**

**یک‌شنبه – 27/12/۹6**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

راجع به بحث دیروز که عرض کردیم ادعای اجماع شده بر این‌که ستر قدمین واجب است از نامحرم و نظر به آن هم بر نامحرم حرام است امروز توضیح بدهیم:

به نظر ما این ادعای اجماع و لو در کلمات جمعی از بزرگان مطرح شده و لکن قابل تصدیق نیست. صاحب ریاض، محقق نراقی، شیخ انصاری ادعای اجماع کردند بر حرمت نظر و حرمت کشف قدمین. برخی از بزرگان هم بطور کلی گفتند که اجماع داریم بر حرمت نظر به غیر وجه و کفین مثل فخر المحققین، محقق ثانی، ‌شهید ثانی. و لکن وقتی بررسی می‌‌کنیم ستر قدمین یا نظر به قدمین این مورد اجماع نیست.

مرحوم کلینی در کافی بابی دارد به نام باب ما یحل النظر الیه من المرأة. آنجا مرسله مروک را نقل که می‌‌کند که پنج چیز است که زینت ظاهر است الوجه و الکف و القدمان، ظاهرش این است که نظر خود کلینی این هست. در ابتداء کافی هم گفت من آثار صحیحه از صادقین علیهم السلام را در این کتاب می‌‌آورم.

یا علامه در تذکره دارد که اما القدمان فالظاهر عدم وجوب سترهما لان القدمین یظهر منهما فی العادة فلم تکن عورة کالکفین. حالا موضوع بحث نماز است ولی چون به مناسبت بحث نماز آیه و لایبدین زینتهن الا ما ظهر منها را مطرح کرده معلوم می‌‌شود که اختصاص به نماز هم ندارد چون این آیه اختصاص به نماز ندارد. در منتهی که اصلا می‌‌گوید که قال الشیخ لایجب علیها ستر ظاهر القدمین لنا انهما یظهران غالبا فیشبه الکفین و الوجه. خب این هم ظاهرش این است که در ذیل الا ما ظهر منها چون مطرح می‌‌کند می‌‌خواهد بگوید القدمان من الزینة الظاهرة، خب وقتی از زینت ظاهره بود استثناء است از لایبدین زینتهن.

[سؤال: ... جواب:] نگفت ظاهر القدمین، گفت القدمان.

یا محقق اردبیلی در مجمع الفائدة می‌‌گوید که اما عورة‌ المرأة فلاخلاف فی کلها عورة یجب سترها فی الصلاة الا الوجه و الکفین و القدمین و فی غیرها من الاجنبی و لافرق بین القدمین و الیدین و الوجه انها فی محل الزینة و انها مما ظهر فیکون هما ایضا داخلین فی الاستثناء.

و همین‌طور شیخ ابوالفتوح رازی در تفسیرش به نام روض الجنان فی تفسیر القرآن جلد 14 صفحه 125 که تفسیر فارسی هست، ایشان نه تنها مفسر است بلکه فقیه هم هست، آنجا می‌‌گوید که قدمین هم جزء عورت نیست، ‌در ذیل همین آیه و لایبدین زینتهن الا ما ظهر منها.

صاحب مجمع البیان مرحوم طبرسی در ذیل و لاییدین زینتهن می‌‌گوید یعنی زینة الباطنة التی لایجوز کشفها فی الصلاة. قدمین که کشفش در نماز جایز است. الزینة الباطنة التی لایجوز کشفها فی الصلاة یعنی غیر از وجه و کفین و قدمین.

پس اجماعی در کار نیست؛ خودمان بررسی کنیم.

مرسله مروک که سندا مشکل داشت و الا اگر مشکل نداشت صریح بود در این‌که قدمین از زینت ظاهره است و ابدائش جایز است.

بله، آن‌هایی که قائلند که روایات کافی معتبره هست مثل مرحوم نائینی که فرمود مناقشه در سند روایات کافی دأب عجزه است. و بیشتر استناد می‌‌کنند به کلام خود کلینی در ابتداء کافی که به کسی می‌‌گوید که شما از من خواستی کتابی بنویسم که مشتمل بر آثار صحیحه از صادقین علیهم السلام باشد فأرجو ان تکون کما تخویت، امیدوارم خواسته تو برآورده شده باشد که ما مناقشه کردیم نپذیرفتیم.

[سؤال: ... جواب:] اسناد جزمی به آن سند اخیر دارد، او که مشکل ندارد. سند را ذکر می‌‌کند می‌‌گوید مروک عن بعض اصحابنا.

[سؤال: ... جواب:] باب ما یحل النظر الیه من المرأة. اصلا خود کلینی به این عنوان باب را ذکر کرده است. ... ما خیلی برای‌مان روشن نیست این معنا که اگر تکرار بشود یک حرفی است که آدم وثوق پیدا کند. آخه این مرسله است، خود کلینی نمی‌دانسته کیه، کی را می‌‌خواسته توثیق بکند. کلینی علم غیب که ندارد این شخص کیست.

ما سند این روایت را ناتمام می‌‌دانیم.

متبع اطلاق معتبره مسعدة بن زیاد است که فقط وجه و کفین را استثناء کرد:‌ الزینة الظاهرة الوجه و الکفان. این معنایش این است که لایبدین زینتهن الا ما ظهر منها، ‌قدمین داخل می‌‌شود در مستثنی‌منه.

منتها ما اشکالی داریم. و آن این است که ما می‌‌گفتیم زینت فوقش مواضع زینت را شامل می‌‌شود از بدن زن، ‌قدمین که مواضع زینت ممکن است تلقی نشود. و لکن به نظر می‌‌رسد که این مناقشه ما قابل جواب است. بالاخره مواضع زینت قدمین هم هست، ‌بالاخره حنا می‌‌بندد به ناخن پایش، ‌به قول آقا الان دیگه لاک می‌‌زند. و لذا جای این هست که ما قدمین را هم حداقل احتیاط واجب بکنیم چون اشکال ما این بود که معلوم نیست مواضع زینت باشد.

[سؤال: ... جواب:] و لذا دست زینت ظاهره است. ... او را شارع به عنوان زینت ظاهره مطرح کرد اما قدمین را به عنوان زینت ظاهره مطرح نکرد. ... بحث سیره را بحث کردیم. حالا ما نتیجه‌گیری که می‌‌خواستیم بکنیم دیروز می‌‌گفتیم دلیل بر وجوب ستر قدمین و یا حرمت نظر به قدمین چیه، شبهه قصور مقتضی بود، ما می‌‌خواهیم عرض کنیم نه، ‌چون عرفا قدمین هم مواضع زینت است، اختصاص به خلخال ندارد، ‌اختصاص به طلا که ندارد زینت، ‌بنابراین جا دارد بگوییم که قدمین داخل در و لایبدین زینتهن هست.

چرا جازم نمی‌شویم؟ برای این‌که واقعا در عرف آن زمان قدمین به عنوان مواضع زینت تلقی می‌‌شده برای ما خیلی واضح نیست. بعید نیست که همین که می‌‌شد حنا بزنند، ‌این می‌‌شود مواضع زینت دیگه.

[سؤال: ... جواب:] وقتی بگوید و لایبدین زینتهن، ‌عرف این را کنایه می‌‌فهمد از مواضع زینت. بیش از این ظهور ندارد مواضع متعارفه زینت. [سؤال: چرا مختص باشد به عرف آن زمان؟ جواب:] دیگه مشکل است اطلاقش.

و لکن الذی یوجب الاحتیاط این‌که بعید نیست که پا هم مثل دست، عرفا بعید نیست که جزء مواضع زینت در آن زمان هم بوده. ما می‌‌گوییم پا هم داخل در مستثنی‌منه و لایبدین زینتهن الا ما ظهر منها است.

[سؤال: ... جواب:] بالاخره و لو به قرینه روایات فهمیدیم زینت شامل مواضع زینت هم می‌‌شود چون در روایت زینت ظاهره را تطبیق کرد بر وجه و کفین، این معلوم می‌‌شود و لایبدین زینتهن اعم از زینت مصنوعیه هست و یا مواضع زینت. می‌‌ماند که آیا قدمین مواضع زینت هستند یا نیستند، ‌بعید نیست که قدمین هم در آن زمان مواضع زینت بودند. فالاحوط وجوبا لزوم ستر القدمین و حرمة النظر الیهما. ... بالاخره مراد از زینت در آیه فهمیدیم مواضع زینت هم هست.

[سؤال: ... جواب:] روایت فقط گفت زینت ظاهره معتبره مسعدة بن زیاد این بود دیگه، گفت زینت ظاهره فقط وجه و کفین است. معتبره مسعدة بن زیاد: سمعت جعفرا علیه السلام و سئل عما تظهر المرأة من زینتها قال الوجه و الکفین. خب این ظاهر در تحدید است دیگه. سئل عما تظهر المرأة من زینتها قال الوجه و الکفین. ... واضح‌تر از کفین بود؟ ... قطعا همین‌طور است. و لذا می‌‌گوییم بعید نیست که قدمین مثل کفین از مواضع زینت بوده. باید احراز بشود، برای همین می‌‌گویم بعید نیست و لو به لحاظ این‌که حنا می‌‌بستند به انگشتان پای‌شان. ... خلخال فوق القدمین است. ... از او به بالا که ما یجب ان یستر است. ... موضع خلخال هم باید پوشیده باشد. ... چه بهتر. اگر زینت باطنه است که داخل در و لایبدین زینتهن می‌‌شود. اگر هم شبهه زینت ظاهره و باطنه است روایت گفت عما تظهر المرأة من زینتها قال الوجه و الکفین.

راجع به مطلب بعد این هست که آیا نظر به وجه و کفین از زن اجنبیه جایز هست یا جایز نیست؟ در ضمن حکم وجوب ستر وجه و کفین هم روشن می‌‌شود. سه قول در مسأله هست:

قول اول قول به حرمت نظر به وجه و کفین مطلقا است، ‌یعنی بدون تفصیل بین نگاه اول و نگاه‌های بعد.

شیخ طوسی در نهایه این را اختیار کرده. فرموده که لابأس ان ینظر الرجل الی وجه امرأة یرید العقد علیها و لایجوز له شیء من ذلک اذا لم یرد العقد علیها. حق ندارد به وجه زنی نگاه بکند که نمی‌خواهد با او ازدواج کند، در هنگام قصد ازدواج برای انتخاب می‌‌تواند به وجه زن نگاه کند، ‌و ینظر الی محاسنها و یدیها و وجهها، ‌باز تکرار می‌‌کند: و لایجوز له شیء من ذلک اذا لم یرد العقد علیها.

ابوالصلاح حلبی در کافی این را اختیار کرده. ابن براج در مهذب این را اختیار می‌‌کند. ظاهر سرائر این است. مرحوم قطب راوندی در فقه القرآن، ‌علامه حلی در تذکره و ارشاد، ‌فخر المحققین در ایضاح الفوائد، شهید اول در بعض کتبش، فاضل هندی در کشف اللثام، ‌صاحب جواهر هم که مثل شیر به میدان آمده و اثبات کرده حرمت نظر به وجه و کفین را از زن اجنبیه.

و همین‌طور ابن زهره در غنیه، ابن حمزه در وسیله، محقق حلی در مختصر النافع تعبیر کردند من اراد ان یتزوج مع امرأة یجوز له ان ینظر الی وجهها و کفیها.

صاحب عروه فرموده من احتیاط واجب می‌‌کنم هم در کتاب الصلاة هم در کتاب النکاح. می‌‌گویند فرق بین زن و مرد نگذارید، ‌تبعیض خوب نیست. [گفته می‌‌شود] باشد، همان‌طور که نظر به غیر وجه و کفین زن حرام قطعی است و نظر به وجه و کفین زن بدون شهوت و ریبه احتیاط واجب است، زن هم نظرش به غیر وجه و کفین مرد حرام و نظرش به وجه و کفین مرد بدون شهوت احتیاط واجب است. دیدید که هیچ فرق نگذاشتیم.

مرحوم آقای خوئی در کتاب الصلاة می‌‌فرمود که جایز است نظر به وجه و کفین زن نامحرم. ستر هم بر آن‌ها واجب نیست. گذشت رسید به کتاب النکاح، ‌فرمود یتعین القول بالحرمة، متعین است طبق ادله قائل بشویم به حرمت نظر به وجه و کفین زن اجنبیه. ولی باز هم فتوی نمی‌دهیم به حرمت، ‌احتیاط واجب می‌‌کنیم. منتها در کتاب الصلاة احتیاط واجبش بخاطر عدم دلیل بود بر حرمت، ‌در کتاب النکاح بخاطر این است که تسهیل امر بکند بر مکلفین و الا قائل است که ادله حرمت تام است.

این قول اول.

قول دوم جواز نظر به وجه و کفین از زن نامحرم است مطلقا و لو با تکرار نظر.

کلینی گفتیم در کافی بابی دارد ما یحل النظر الیه من المرأة. صاحب وافی، صاحب وسائل هم همین‌طور، ‌همین عنوان را ذکر کردند. این معلوم می‌‌شود نظرشان این است، ‌باب ما یجوز النظر الیه من المرأة، بعد روایت مروک را نقل کردند. الوجه و الکفان و القدمان.

شیخ طوسی در تهذیب و استبصار و مبسوط قائل به جواز نظر به وجه و کفین شده. در ریاض گفته ظاهر مسالک هم همین است. جماعتی از متاخری المتاخرین هم صاحب ریاض می‌‌گوید همین را می‌‌گویند. شیخ انصاری این فقیه مقدس به شدت طرفدار جواز نظر به وجه و کفین زن نامحرم شده و ادله را بررسی کرده و گفته هیچ دلیلی بر حرمت ما نداریم.

قول سوم تفصیل است بین نگاه اول که جایز است، نگاه‌های بعدی جایز نیست.

محقق حلی در شرائع این را گفته. می‌‌گوید یجوز ان ینظر الی وجه الاجنبیة‌ و کفیها علی کراهیة مرة و لایجوز معاودة النظر.

گفتند یک راننده‌ای، به شوخی می‌‌گویند، نگاهش را برگردانده بود پشت سر، نگاه می‌‌کرد به آن خانم، گفتند آقا جلویت را نگاه کن، گفت می‌‌ترسم نظر دوم بشود. همان استمرار نگاه اول می‌‌خواهم باشد که حلال باشد.

این است معنایش؟ این را باید بررسی کرد. یعنی یک ساعت نگاه کند بگوید هنوز نظر اول است؟ خانم!‌ نروی آن طرف‌تر یک وقت نظر ما تبدیل می‌‌شود به نظر دوم. این‌که نیست.

[سؤال: ... جواب:] اصلا فرض بدون شهوت است، بدون شهوت و خوف فتنه. او که اجماعی است که نظر اولی هم حرام است.

بعد فرموده و لایجوز معاودة النظر، تکرار نکن نگاهت را و کذلک الحکم فی المرأة. صاحب شرائع گفته زن! هم همین‌جوری هستی. یک نگاه حق دارد به مرد بکند، ‌نگاه اختیاری. غیر اختیاری که دست آدم نیست. یک لحظه نگاه کن به صورت این خانم یا این خانم به صورت شما، یک لحظه نگاه کند اختیارا بشناسد شما را، ‌اما دیگه ادامه ندهد نگاهش را.

علامه حلی در اکثر کتبش همین را قائل شده، مثل قواعد، ‌تحریر. شهید اول در لمعه همین را گفته. شهید ثانی در مسالک توضیح داده کلام شرائع را، ‌گفته که مراد از جواز نظر برای یک بار چیه؟ این یعنی ما لااطالة لها عرفا. آن نظر سطحی که ادامه پیدا نکند و الا اگر یک نظر همین‌جوری مستمر باشد مثل تکرار نظر است، چه فرق می‌‌کند؟ ‌مقصود آقایان از نظر یک بار یعنی یک لحظه، یک لحظه عرفی.

سیمری در غایة المرام فی شرح شرائع الاسلام گفته القول بالجواز مرة قول اکثر الاصحاب. اکثر اصحاب گفتند یک نگاه جایز است. چون می‌‌گوید روایت داریم لکم اول النظرة فلاتتبعوها بالثانیة. هذا مع عدم التلذذ و خوف الفتنة‌ فان حصل احدهما انتفی الجواز.

انصاف این است که سیمری خدا رحمتش کند! اشتباه کرده می‌‌گوید اکثر الاصحاب قائل به جواز مرة واحدة هستند. اکثر اصحاب قائل به حرمت بودند حتی برای نگاه اول. بله، کثیری از اصحاب مخصوصا متاخرین قائل به جواز نظر شدند.

ادله قول به حرمت را بررسی کنیم. اول از آیات شروع کنیم.

اولین آیه: قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم و قل للمؤمنات یغضض من ابصارهن.

این را مفصل بحث کردیم گفتیم متعلقش اطلاق ندارد چون محذوف است. شاید مراد این است که قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم از عورت مؤمنین دیگر یا از چیزهایی که واجب است دیگران سترش بکنند، چیزی که واجب است دیگری ستر بکند مؤمن هم حرام است به او نظر بکند.

آیه دوم: و لایبدین زینتهن الا لبعولتهن.

گفته می‌‌شود ببینید! آیه می‌‌گوید ابداء نکنند زینت‌شان را بر نامحرم، اطلاقش شامل وجه و کفین می‌‌شود.

اولین اشکال و واضح‌ترین اشکال به این استدلال به آیه و لایبدین زینتهن الا لبعولتهن که آقای خوئی هم در کتاب الصلاة گفته این است که آقا!‌ استثناء شده زینت ظاهره، ‌و لایبدین زینتهن الا ما ظهر منها، خب زینت ظاهره وجه و کفین است دیگه. معتبره مسعدة بن زیاد هم که گفت الوجه و الکفان.

مرحوم آقای خوئی در کتاب النکاح می‌‌گوید، ‌به زبان حال می‌‌گوید عجب اشتباهی کردیم در کتاب الصلاة. چه ربطی دارد و لایبدین زینتهن الا ما ظهر منها به آیه و لایبدین زینتهن الا لبعولتهن؟‌ این‌ها دو مطلب است. یک ابداء الزینة داریم، یک ابداء الزینة للغیر داریم. آیه و لایبدین زینتهن الا ما ظهر منها می‌‌گوید آشکار نکنند زینت باطنه خود را مطلقا و لو علم نداشته باشند به وجود اجنبی. بله، جایی که علم دارند به عدم وجود اجنبی، این‌که مسلم جایز است ابداء، در حمام لخت می‌‌شوند، از آن انصراف دارد. اما ابداء زینت غیر ظاهره حرام است مطلقا و لو شک دارند در وجود ناظر اجنبی. و لایبدین زینتهن الا لبعولتهن می‌‌گوید ابداء الزینة للغیر حرام است. ابداء الزینة للغیر در جایی است که شما می‌‌دانید یک ناظری هست، می‌‌گویند آشکار نکن زینت خودت را برای او که نامحرم است. این موردش مورد علم به وجود ناظر اجنبی است. در لایبدین زینتهن الا لبعولتهن که استثناء نشد زینت ظاهره، مطلق است. ابداء زینت للغیر حرام است و لو زینت ظاهره باشد که وجه و کفین است. آنی که استثناء خورده از آن الا ما ظهر منها لایبدین زینتهن است نه لایبدین زینتهن للغیر. یعنی این زن اگر شک دارد در وجود ناظر اجنبی اشکال ندارد صورتش را، دستانش را باز بگذارد، ‌تا یقین کرد نامحرم دارد می‌آید سریع چادرش را بکشد روی صورتش و دستانش ولی وقتی شک دارد نه، چادرش را بزند بالا وجه و کفینش باز باشد. اما بقیه مواضع که زینت باطنه است، نه، ‌شک هم داشته باشی در وجود ناظر حق ندارد این زن با وجود شک در بودن ناظر موی سرش را باز بگذارد.

[سؤال: ... جواب:]‌ ‌لایبدین زینتهن الا ما ظهر منها، ‌ابداء زینت غیر ظاهره فی حد نفسه حرام است نه ابداء للاجنبی، ‌نتیجه این است که اگر شک هم بکنی در وجود اجنبی باز ابداء زینت غیر ظاهره حرام است. یعنی اگر خانمی حیات می‌آید احتمال می‌‌دهد که از روبرو کارگرها دارند کار می‌‌کنند نگاه‌شان بیفتد، شاید هم نه، روز جمعه است کارگر‌ها نیامدند، بی‌چادر نیاید، اما بی‌پوشه بیاید اشکال ندارد. هر وقت دید که مرد نامحرم در مقابل هست، آن وقت یا پوشیه بزند یا چادرش را روی صورتش بیاورد.

[سؤال: ... جواب:] طبعا ظاهر فرمایش آقای خوئی این است که هر دو حکم واقعی است.

در کتاب النکاح اصلا متعرض این آیه و لیضربن بخمرهن علی جیوبهن نشده، ‌من ندیدم. در کتاب الصلاة می‌‌گوید آقا! دلیل هم داشتیم ظاهر بود در وجوب ستر وجه و کفین این آیه شریفه و لیضربن بخمرهن علی جیوبهن که قبلش هم هست لایبدین زینتهن الا ما ظهر منها، این آیه دلیل بر این است که از ظهور این خطاب در وجوب ستر وجه و کفین رفع ید کنیم. در کتاب النکاح من در ذهنم هست که اصلا اشاره‌ای به این آیه و لیضربن بخمرهن علی جیوبهن نمی‌کند. چون اشکال قوی است. گفته می‌‌شود آقا!‌ این آیه صریح است در این‌که ستر وجه لازم نیست چون می‌‌فرماید که زن‌ها! روسری‌تان را پشت سرتان نبندید، ‌و لیضربن بخمرهن علی جیوبهن، ‌بیاورید روی گریبان‌تان قرار بدهید، ‌این معلوم می‌‌شود که رویش باز است، ‌وجهش باز است. مرحوم آقای خوئی در کتاب الصلاة به همین آیه و لایبدین زینتهن الا ما ظهر منها و لیضرب بخمرهن تمسک کرد گفت دلیلی هم اگر ظاهر بود در وجوب ستر وجه و کفین به این آیه استدلال می‌‌کنیم بر عدم وجوب و لکن در کتاب النکاح که قائل به وجوب ستر شده دیگه نگفته که و لیضربن بخمرهن علی جیوبهن را چه جور معنا می‌‌کنید.

مرحوم آقای بروجردی در کتاب تبیان الصلاة دیدم تقریر مرحوم حاج آقا علی صافی، زحمتش را کشیده. چون مرحوم آقای بروجردی هم از قائل به وجوب ستر و کفین بود و ظاهرا حرمت نظر به وجه و کفین، ‌ظاهرا فتوی می‌‌داد به حرمت، اگر نه احتیاط واجب می‌‌کرد، قطعا فتوی به جواز نظر به وجه و کفین نمی‌داد، ‌إما کان یفتی او یحتاط وجوبا در ترک نظر به وجه و کفین. مرحوم آقای بروجردی جواب این آیه را داده، ‌فرموده ما سه تا پوشش داریم، ‌فرموده یک خمار داریم، ‌یک جلباب داریم یک ازار داریم. ازار همان چادر است. جلباب پارچه بزرگ بود، ‌حالا بعضی‌ها تعبیر می‌‌کنند روسری بزرگ.

[سؤال: ... جواب:] چاقچور می‌‌گویید من خودم نمی‌فهمم یعنی چه، چه جور برای دیگران بگویم.

پاکستانی‌ها دیدید یک پارچه بلندی می‌‌اندازند مردهایشان را دیدیم.

[سؤال: ... جواب:] زن‌هایشان هم می‌‌اندازند؟

ظاهرا او جلباب است. پس خمار داریم روسری، جلباب داریم حالا تعبیر کنیم روسری بزرگ یا چاقچور یا پارچه بزرگ، یکی هم ازار. ازار همان چادر است.

مرحوم آقای بروجردی فرمودند ما هم می‌‌گوییم و لیضربن بخمرهن علی جیوبهن، ‌پشت سرشان نبندند خمارشان را، بکشند روی گردن‌شان اما وقتی اجنبی بود جلباب‌شان از روی سرشان بکشند به سمت پایین تا روی‌شان دیده نشود. نه، ازارشان را، ‌چادرشان را بکشند روی صورت‌شان تا صورت‌شان از نامحرم مخفی بماند. و لیضربن بخمرهن علی جیوبهن، نفرمود و لایدنین علیهن من جلابیهن. اتفاقا آیه دیگر دارد و یدنین علیهن من جلابیبهن، جلباب‌های خودشان را روی خودشان بیندازند. حداقل روایات این‌جور می‌‌گوید.

[سؤال: ... جواب:] بر خودشان بیفکنند جلباب‌شان را. یدنین علیهن به معنای محکم‌گرفتن نیست. این لغت نیست که معنا می‌‌کنید. و دانیة علیهم ظلالها یعنی کشیده شده به سمت آن‌ها، ‌یعنی افتاده روی آن‌ها، ‌یدنین علیهن من جلابیبهن به معنای اسدال و ارخاء است. یعنی زنان مؤمنه جلباب‌شان را روی خودشان بکشند، اطلاق دارد. حالا آیه اطلاق ندارد روایات که داریم. از روایات استفاده می‌‌کنیم وجوب ستر وجه و کفین را.

حالا بحث در این است که آقا فرمودند و لیضربن بخمرهن علی جیوبهن را آقایانی که قائل به حرمت نظر به وجه و کفین و وجوب ستر وجه و کفین هستند چی می‌‌گویند خواستیم بگوییم آقایان گیر نمی‌کنند، ‌آقایان معنا کردند. آقای بروجردی این فقیه بزرگ عاجز نشده، معنا کرده.

 و لکن انصاف این است که خلاف ظاهر است. حالا اگر روی خمارش جلباب دارد، ازار دارد چه اصراری دارید که این خمارش را پشت سرش نبندد، ‌ببندد. این هم یک مدل است.

[سؤال: ... جواب:] محکم می‌‌گیرد جلبابش را که دیده نشود. اگر باد بیاید به خمارش رحم می‌‌کند؟ خمارش هم می‌‌رود کنار. ... زیر لباس‌تان لخت هستید، کسی به شما گیر می‌‌دهد؟ این‌که و لیضربن بخمرهن علی جیوبهن را معنا می‌‌کنید می‌‌فرمایید که آقا! خمارشان را بیندازند روی گریبان‌شان، طبعا صورت‌شان با خمار پوشیده نمی‌شود اما از ادله دیگر استفاده کردیم که با جلباب پوشیده بشود صورت‌شان، ‌لااقل با ازار و چادر پوشیده بشود، انصاف این است که خلاف ظاهر است.

بر گردیم به آقای خوئی: ما عمده اشکال مان:‌ واقعا تفسیری که آقای خوئی کرد بین لایبدین زینتهن الا ما ظهر منها و بین لایبدین زینتهن الا لبعولتهن که اصلش هم در کتاب اسداء الرغاب فی مسأله الحجاب، ‌مرحوم آسید محمدباقر لکنهوئی لکنهو هندوستان نوشته که کتاب تحقیقی خوبی هست، ‌اصلش در آنجا هست این فرمایش آقای خوئی، انصافا خلاف ظاهر است و لایساعد علیه العرف ابدا. هیچ فرقی بین لایبدین زینتهن الا ما ظهر و لایبدین زینتهن الا لبعولتهن نیست.

ان‌شاءالله فردا بررسی می‌‌کنیم.